

تحلیل فقهی-حقوقی تزویج دختران صغیره در پرتو اصل عدالت: چالش‌ها و راهکارها

رضا دهقان نژاد، استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

چکیده

تزویج دختران صغیره، از چالش‌برانگیزترین مسائل فقهی-حقوقی معاصر است که در تعارض با اصل عدالت و کرامت انسانی قرار دارد. این پژوهش با هدف تحلیل فقهی-حقوقی این پدیده در پرتو اصل عدالت، به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با وجود مبانی سنتی دال بر جواز تزویج صغار با اذن ولی قهری، اصل عدالت به عنوان محور تشریح و قاعده‌ای فراقه‌ای، امکان بازخوانی این احکام را فراهم می‌سازد. از سویی، ماهیت امضایی نکاح و محوریت «معروف» در شریعت، لزوم «رشد عقلانی» را ایجاب می‌کند که در کودکان محقق نیست. از دیگر سو، تزویج صغیره در عصر حاضر به دلیل مفاسد متعدد اجتماعی، روانی و جسمی، تضییع و سلب حقوق کودک، تعارض با استحکام خانواده، خلأها و تناقضات تقنینی، مصادق بارز ظلم و بی‌عدالتی بوده و با اصولی مانند «الاضرر» و «الاحرج» در تعارض است. پژوهش حاضر با تبیین جایگاه اصل عدالت به عنوان «مخصص لیبی» و «حاکم بر سایر ادله» در تحدید ادله ولایت، راهکارهای نوینی شامل: بازتعریف معیار کودکی با تمرکز بر «رشد عقلانی-روان‌شناختی» به جای سن ثابت، اصلاح قوانین، تشکیل کارگروه‌های تخصصی در دادگاه خانواده، به رسمیت شناختن «حق فسخ مطلق» پس از بلوغ، و اعلام «حرمت تکلیفی مطلق» هرگونه استمتاع از کودک را ارائه می‌نماید. نتیجه آنکه با تغییر موضوع و مصادیق عدل و ظلم، حکم تزویج کودکان نیازمند بازنگری اساسی بوده و تحقق عدالت مستلزم تعامل فقه با یافته‌های علوم انسانی و تقنین قوانین حمایتی است.

کلید واژها: ولایت قهری، رشد عقلانی، مصلحت کودک، فقه اجتماعی، عرف عقلایی، بلوغ نکاح، کنوانسیون حقوق کودک

مقدمه و بیان مسئله

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، همواره مورد توجه شرع مقدس اسلام بوده و قوانین آن با هدف حفظ کرامت انسانی و تحقق عدالت تشریح شده‌اند. با وجود این، یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل مستحدثه در عرصه حقوق خانواده، پدیده «کودک همسری» یا «تزویج دختران صغیره» است. این پدیده در تقاطع دو جریان فکری اصلی قرار دارد: از سویی، مبانی سنتی فقه امامیه که با استناد به ادله ولایت ولی قهری (پدر و جد پدری)، تحت شرایطی انعقاد عقد نکاح صغیر را جایز می‌شمارد و قانون مدنی ایران نیز در ماده ۱۰۴۱ به تبعیت از این فتاوا، امکان ازدواج قبل از بلوغ را با اجازه دادگاه ممکن ساخته است. از دیگر سو، تحولات گسترده اجتماعی، یافته‌های قطعی علوم روانشناسی و پزشکی در مورد آسیب‌پذیری کودکان، و شکل‌گیری نظام بین‌المللی حقوق بشر با محوریت حمایت از کودک، این سنت را به چالش کشیده و آن را در تعارض با معیارهای نوین عدالت و کرامت انسانی قلمداد می‌کنند.

در عمل، امکان سوء استفاده ولی قهری از اختیارات تفویض شده بر اساس برخی فتاوی فقہی و ماده مذکور در قانون مدنی، زمینه‌ساز بروز پدیده کودک‌همسری در سطح جامعه شده است. این در حالی است که از منظر عرف عقلائی و معیارهای حقوق بشری در جهان معاصر، چنین رویکردی نه تنها مغایر با مصالح عالیہ کودکان تشخیص داده می‌شود، بلکه به عنوان نقض نظام‌مند حقوق اساسی آنان و مصداق بارز ظلم قلمداد می‌گردد. شواهد میدانی و پژوهشی گواه پیامدهای ویرانگر این پدیده است که از جمله می‌توان به محرومیت از تحصیل، مواجهه با خشونت خانگی، آسیب‌های شدید جسمی ناشی از بارداری زودهنگام، و اختلالات پایدار روانی مانند افسردگی و انزجار جنسی اشاره نمود. این عمل همچنین با سلب حق انتخاب و آزادی فرد در مهم‌ترین تصمیم زندگی، نقض آشکار حقوق بنیادین کودک محسوب می‌شود.

با پذیرش این پیشفرض که «احکام خانواده ماهیتاً اجتماعی و تابع منطق عدالت هستند» (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۵/ ۱۴۱۱)، پرسش اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان در پرتو اصل عدالت که حاکم بر ادله احکام است، چارچوب فقہی-حقوقی موجود در مورد تزویج صغار را بازخوانی و بازسازی نمود تا از تضييع حقوق این قشر آسیب‌پذیر جلوگیری به عمل آید؟ این تحقیق با رویکردی فقہی-حقوقی و با روش توصیفی-تحلیلی، در چهار محور سامان یافته است: نخست، جایگاه محوری اصل عدالت در قوانین اسلامی و متون فقہی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سپس مفاهیم کلیدی پژوهش مانند اصل عدالت و بلوغ تبیین می‌گردد. در ادامه، مبانی فقہی و حقوقی تزویج صغار واکاوی شده و در نهایت، نکاح صغیره بر اساس اصل عدالت مورد نقد و بررسی قرار گرفته و راهکارهای برون‌رفت از این معضل ارائه می‌شود. ضرورت این تحقیق، انعکاس نیاز مبرم به تطبیق احکام با مقتضیات زمانه و تحقق عدالت به عنوان آرمان اصلی شریعت است.

پیشینه تحقیق: بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط حاکی از آن است که موضوع کودک‌همسری، تزویج صغار و سن ازدواج تاکنون از زوایای مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در حوزه فقه و حقوق، تحقیقات متعددی به مبانی فقہی ولایت ولی، شرایط صحت عقد نکاح صغیر و تحلیل مقررات مدنی پرداخته‌اند. همچنین در حیطه علوم اجتماعی و روانشناسی، مطالعات میدانی گسترده‌ای به بررسی پیامدهای روانی، آموزشی و سلامت این پدیده اهتمام ورزیده‌اند. با این وجود، مطالعه نظام‌مند این موضوع با محوریت «اصل عدالت» به عنوان معیاری فراقه‌ی و محور استنباط، در تحقیقات پیشین مغفول مانده است. تنها پژوهش مشابه شناسایی شده، مقاله «تأملات اخلاقی در جواز نکاح صغیره و تعارض آن با قاعده عدالت» اثر مصلی نژاد و همکاران (۱۴۰۱) است که صرفاً از منظر اخلاقی به موضوع نگریسته و در مجله‌ای با رویکرد اخلاقی منتشر شده است. در حالی که پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی فقہی-حقوقی و با تمرکز بر کارکرد اصل عدالت در استنباط، نقد و توسعه احکام، و همچنین ارائه راهکارهای تقنینی و قضایی نوین، وجوه تمایز اساسی با پژوهش مذکور دارد. این خلأ پژوهشی، همزمان نقطه

عطف و نوآوری بنیادین تحقیق حاضر به شمار می‌رود، چرا که برای نخستین بار به تبیین نقش اصل عدالت به عنوان «مخصص لیبی» و «حاکم بر ادله دیگر» در تحدید ادله ولایت و بازخوانی احکام تزویج دختر صغیره می‌پردازد.

۱. جایگاه محوری اصل عدالت در استنباط احکام فقهی

در منظومه معرفتی اسلام، عدالت تنها یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه اساس نظام تشریح و قانونگذاری الهی را تشکیل می‌دهد. قرآن کریم به روشنی هدف از بعثت پیامبران را برپایی قسط و عدالت معرفی کرده (حدید، ۲۵) و بر رعایت آن در تمامی عرصه‌های زندگی از جمله نهاد خانواده تأکید نموده است. (نساء، ۳ و ۱۲۹؛ نحل، ۹۰) با این حال، رویکرد فقها به این اصل کلیدی در طول تاریخ فقه اسلامی یکسان نبوده است. در یک دسته‌بندی کلی، فقهای امامیه را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم نمود: گروه اول که نگاهی فردگرایانه به فقه دارند و بیشتر به استنباط تکالیف شرعی اشخاص با روش‌های سنتی می‌پردازند. این گروه عمدتاً عدالت را به عنوان صفتی فردی مورد توجه قرار داده‌اند. در مقابل، گروه دوم با نگاهی اجتماعی به فقه، علاوه بر روش‌های سنتی، مقاصد شریعت از جمله اصل عدالت را محور استنباط حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی قرار می‌دهند. (ر.ک: ارسطو، ۱۴۰۰: ۶۰-۶۱) از این روی، برخی اصل عدالت را «از مقیاس‌های اسلام»، (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۰۲/۶) «اصل پیش فقهی یا فرا فقهی» (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۱۸۸ و ۲۰۳) و «قاعده القواعد» (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۱۴۰۰) معیار و میزان (خمینی، بی تا: b: ۲۱ / ص ۱۷۷) و حاکم بر ادله احکام (ر.ک: صرامی، ۱۳۹۹: ۴۱-۴۴) معرفی نموده‌اند. بررسی آثار فقهی نشان می‌دهد اگرچه اصل عدالت به صورت مستقل در کتب فقهی مورد بحث قرار نگرفته، اما در چهار حوزه کاملاً متمایز نقش آفرینی کرده است:

۱. استنباط احکام بر اساس اصل عدالت. به عنوان مثال در مسئله ولایت بر باکره رشیده، صاحب جواهر با صراحت این حکم را مصداق بارز ظلم دانسته و عدالت را محور استنباط قرار داده است. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۲۹ / ۱۷۹) در تعیین ارش در معاملات نیز، همین فقیه بزرگوار عدالت را معیار نهایی حل اختلاف کارشناسان می‌داند. (همان: ۲۳ / ص ۲۹۴). همچنین امام خمینی با استناد به آیه «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»، (بقره: ۲۷۹)، رباخواری را مصداق بارز ظلم معرفی کرده است. (خمینی، ۱۴۲۱ق: ۲ / ۵۴۲؛ همچنین ر.ک: همان: ۲ / ۵۵۳؛ ۵ / ۵۲۸)

۲. نقد و ارزیابی روایات. برخی فقهای معاصر با استناد به ناسازگاری با عدالت قرآنی، روایات شرط تفاضل دیه در قصاص مرد و زن را مورد نقد جدی قرار داده‌اند. (صانعی، ۱۴۲۴ق: ۱ / ۱۵۷-۱۶۳) امام خمینی احتمال جعلی بودن روایات حيله‌های ربا را به دلیل مغایرت با اصل عدالت مطرح کرده است. (خمینی، ۱۴۲۱ق: ۲ / ۵۵۳؛ و همان: ۵ / ۵۳۰) ابن عاشور با تحلیل

جامعه‌شناختی نشان داده که روایات تنبیه زن ناظر به شرایط خاص فرهنگی بوده و در جوامعی که این عمل ناپسند شمرده می‌شود، ظلم محسوب شده و قابل اجرا نیست. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۴/۱۱۶ و ۱۱۹)

۳. توسعه و تضييق دایره احکام. آیت‌الله سیستانی با استناد به اصل عدالت، خودداری از تأمین نیازهای خانواده را مصداق ظلم دانسته است. (سیستانی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۱) برخی فقهای معاصر مفهوم احتکار را با استناد به اصل عدالت، به همه کالاهای ضروری تعمیم داده‌اند. (منتظری، ۱۴۰۹ق: ۲/۶۲۰-۶۳۷) صاحب‌نظرانی چون شهید مطهری با استناد به اصل عدالت، اختیار مطلق مرد در طلاق را مورد نقد قرار داده‌اند. (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۷۲-۲۷۳؛ همچنین ر.ک: صانعی، ۱۳۹۶: ۲۶۵-۲۶۷)

۴. عدالت به عنوان «مخصص لبی» در تحدید دایره شمول ولایت

علاوه بر نقش آفرینی در سه حوزه پیش گفته، اصل عدالت در مقام تعارض با ادله دیگر، به عنوان «مخصص لبی» عمل می‌نماید. بدین معنا که حتی در صورت وجود ادله ظاهری بر اطلاق یک حکم (مانند اختیارات ولی قهری)، ارتکاز عقلایی و مذاق شارع از عدالت که در آیات متعدد که در بالا اشاره گردید تبلور یافته، به صورت لبی آن اطلاق را مقید می‌سازد. بنابراین هرچند ممکن است ادله ولایت ولی بر صغیر، مطلق به نظر آیند، اما اجرای این ولایت در مواردی که منجر به نتایج ناعادلانه و ظالمانه‌ای چون سلب حق انتخاب سرنوشت ساز، تحمیل زندگی زناشویی ناخواسته و تضييع کرامت انسانی کودک می‌گردد، با روح عدالت که محور شریعت است در تعارض قرار می‌گیرد. از این رو، اصل عدالت به عنوان قاعده‌ای فراقه‌ای و حاکم، مانع انعقاد اطلاق ادله ولایت در چنین مصادیقی شده و به مثابه یک قید لبی، دایره شمول آن را محدود می‌نماید. (عندلیب همدانی، ۱۴۰۳: شبکه اجتهاد).

بنابراین، با وجود دیدگاه برخی پژوهشگران مبنی بر محدود بودن دایره شمول عدالت در احکام شرعی، (علاسوند، ۱۴۰۳: ۱۸۳)، این اصل را می‌توان به عنوان معیاری اساسی در ارزیابی دیدگاه‌های فقهی حوزه خانواده مورد استناد قرار داد. این ادعا با نظر آیت‌الله شبیری زنجانی که تصریح می‌کند حقوق مقرر برای زوجین جنبه تبعیدی محض نداشته و بر پایه عدالت وضع شده و مناط آن از فهم بشر خارج نیست، تقویت می‌شود (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۵/۱۴۱۱) از این روی، احکام خانواده ماهیتاً اجتماعی بوده و تابع منطق عدالت هستند و قوانین شرعی در این حوزه بر مبنای مصالح عقلایی استوار است. در تبیین این جایگاه، فهم ماهیت «امضایی» نکاح ضروری است؛ شارع مقدس این پدیده عقلایی را که پیش از اسلام نیز رواج داشته، با وضع احکامی، مورد پذیرش و امضا قرار داده و محور اصلی این تنظیمات را بر مفهوم «معروف» به معنای عمل شناخته‌شده و مورد قبول شرع و عقل سلیم استوار نموده است. از این رو، ازدواجی مصداق «معروف» است که طرفین از «رشد عقلانی» لازم برای تشخیص مصلحت و اداره خانواده برخوردار باشند. طبیعی است که یک کودک فاقد چنین رشد و بلوغ فکری، قادر به

تحقق این الگوی عقلایی نیست. بنابراین، تزویج صغیره که فاقد «رشد عقلانی» است، نه تنها با اصل عدالت، بلکه با روح حاکم بر تشریح نکاح و محوریت «معروف» در تعارض بوده و از دایره مصادیق ازدواج مورد امضای شارع خارج می‌شود. از این رو، اصل عدالت نه تنها یک معیار فراققهی، بلکه محوری اساسی در استنباط، نقد و توسعه احکام فقهی به شمار می‌رود. (عندلیب همدانی. همان)

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. عدالت از منظر لغت و اصطلاح:

عدالت در منابع لغت با معانی متعددی همچون مقابل ظلم و جور، (فیومی، ۱۴۱۸ ق: ۱/۲۰۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۱/۴۳۱؛ فراهیدی، بی تا: ۲/۳۹؛ فیروز آبادی، بی تا: ۴/۱۳) مساوات و برابری، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۵۵۱؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۵/۴۲۰) استقامت و توازن، (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۱/۴۳۱؛ فیروز آبادی، بی تا: ۴/۱۳) و اعتدال و قرار دادن هر چیز در جای خود (طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۵/۴۲۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ ش: ۸/۵۳؛ فیومی، ۱۴۱۸ ق: ۱/۲۰۶؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۵/۴۲۰) تعریف شده است. تعبیر اخیر با کلام امام علی (ع) در نهج البلاغه که می‌فرمایند: «عدل امور را در جای خود می‌نهد»، (نهج البلاغه، کلمه قصار ۴۳۷) کاملاً همخوانی دارد. فیض کاشانی نیز در تفسیر آیه «و وضع المیزان» (الرحمن: ۷) بر همین مفهوم تأکید کرده و عدالت را به معنای اعطای استحقاق‌ها توسط خداوند می‌داند. (فیض کاشانی، بی تا: ۵/۱۰۷) با وجود تنوع ظاهری در تعاریف، به نظر می‌رسد تمامی این تعابیر به مفهوم بنیادین «نفی ظلم و جور» بازمی‌گردند. حتی منکران حسن و قبح عقلی نیز به این تقابل مفهومی بین عدالت و ظلم اذعان دارند، اگرچه تشخیص مصادیق آن را منوط به راهنمایی شارع می‌دانند (ضیایی فر، ۱۳۹۲ ش: ص ۲۷۵).

در حوزه اصطلاح فقهی، عدالت عمدتاً به عنوان صفتی فردی در خصوص اشخاصی چون مجتهد، قاضی، امام جماعت و شهود مورد توجه قرار گرفته است. مشهور فقها آن را «ملکه نفسانیه موجب تقوا» تعریف نموده‌اند. (سیوری حلی، ۱۴۲۵ ق: ۲/۳۸۴؛ شهیدثانی، بی تا: ۲۸۹) در این زمینه دو دیدگاه عمده وجود دارد: دیدگاه مشهور که عدالت را دارای حقیقت شرعی می‌داند؛ (عاملی حسینی، ۱۴۱۹ ق: ۸/۲۵۸؛ طوسی، ۱۳۸۷ ق: ۸/۲۱۷) و دیدگاه مخالف که آن را فاقد معنای خاص شرعی دانسته و به تعریف لغوی یعنی «استقامت و پرهیز از جور و انحراف» (اردبیلی، ۱۴۰۳ ق: ۱۲/۳۱۲؛ خویی، ۱۴۱۸ ق: (ب): ۲۵۴)؛ و عرفی (سبزواری ۱۴۱۳: ۴۳/۱) بسنده می‌کند. براین اساس منشأ تقسیم متفکران جهان اسلام به عدلیه و اشاعره نیز از اینجاست که عدالت از مفاهیم پس‌دینی نیست بلکه از مفاهیم پیشین دینی است. (علیدوست، ۱۳۹۳ ش: ۶). این نگرش، تقسیم‌بندی فقیهان به دو گروه را تبیین می‌کند: گروهی که عدالت و ظلم را به عنوان نهادهای کلان اثرگذار در استنباط می‌نگرند و گروهی که صرفاً به نصوص مبتنی بر حکم بسنده می‌کنند. (علیدوست، همان)

بنابراین با توجه به خلأ موجود در تعریف «اصل عدالت» به عنوان مفهومی مستقل از عدالت فردی، در این تحقیق عدالت به همان معنای لغوی «نفي ظلم و جور و اعتدال» که نتیجه آن «برابری مستحقانه» خواهد بود، با چهار ویژگی اساسی تعریف می‌شود. ۱. مبنای سنجش احکام فقهی (اصغری، ۱۳۸۸ش: ۴)؛ ۲. حاکم بر ادله احکام (صرامی، ۱۳۹۹ش: ۴۱-۴۴)؛ ۳. مبتنی بر تشخیص عرف عقلایی (محقق داماد، ۱۳۹۷ش: ۲۰۴-۲۰۶)؛ ۴. قابل اجرا در حوزه‌های مختلف حقوقی. (ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۵/ ۱۴۱۱؛ صانعی، ۱۳۹۶: ۲۷۳-۲۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۵۹)

بر این اساس، کلیه احکام و قوانین مرتبط با حقوق خانواده باید بر مبنای اصل عدالت و با محوریت نفي ظلم و رعایت اعتدال تنظیم گردد. این دیدگاه در کلام فقهای همچون مکارم شیرازی که عدالت را اصلی از اصول استنباط می‌دانند، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۵۹) تأیید شده است. اگرچه ممکن است ادعا شود که اصل عدالت به معنی فوق در همه موضوعات فقهی مانند عبادیات قابل اجرا نیست، (ر.ک: صانعی، ۱۳۹۶: ۲۷۳-۲۷۴) اما در حوزه معاملات و حقوق اجتماعی که تشخیص عدل و ظلم به عهده عرف عقلایی است، به خوبی قابل اعمال است. همانگونه که برخی از فقهاء تأکید می‌کنند، حقوقی که شارع برای زن و شوهر قرار داده تعبد محض نیست، بلکه برای حفظ کیان خانواده، قوانینی بر اساس عدالت وضع کرده است. (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۵/ ۱۴۱۱) بر این اساس، عدالت به عنوان مفهومی عقلانی و عرفی، پیشادینی محسوب می‌شود و قرآن کریم نیز در مقام تعریف و بیان ماهیت شرعی آن نمی‌باشد بلکه با خطاب «الناس» در آیه «لیقوم الناس بالقسط»، (حدید، ۲۵) توانایی بشر در ارزیابی آن را به رسمیت شناخته است. (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۲۰۴-۲۰۶) از این رو، تشخیص مصادیق عدالت و ظلم در حوزه حقوق خانواده به عهده عرف عقلایی بوده و هر حکمی که به تشخیص عرف، ناعادلانه باشد نیازمند تعدیل و بازنگری است.

۲-۲. بلوغ

بلوغ در لغت به معنای رسیدن به مقصد، اعم از مکان، زمان یا امری معین است. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ۱/ ۳۳۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۸/ ۴۱۹؛ قرشی، ۱۳۷۱ش: ۱/ ۲۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۴۴) در اصطلاح فقهی تعریف دقیقی از بلوغ ارائه نشده و فقها معمولاً به ذکر علائم آن مانند رسیدن به سن مشخص، رویش موی خشن و احتلام بسنده کرده‌اند. (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۴/ ۱۴۱-۱۴۲؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ۹/ ۲۳۷-۲۴۵) به نظر یکی از فقهای معاصر، بلوغ به معنای رسیدن به سنی است که فرد در آن آمادگی انجام کار مورد نظر را پیدا می‌کند، با این توضیح که این سن در امور مختلف شرعی، اجتماعی و اقتصادی یکی یکسان نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳ش: ۱۹) حقوقدانان نیز بلوغ را مرحله‌ای دانسته‌اند که قوای جسمی و غریزه جنسی فرد (صغیر) به حدی از رشد می‌رسد که آماده توالد و تناسل می‌شود. (امامی، بی تا: ۵/ ۲۴۴؛ صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۴ش: ۲۲۸) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بلوغ شرعی لزوماً با بلوغ جنسی، جسمی و اجتماعی همزمان نیست و هر یک از این ابعاد با توجه به عوامل محیطی و جغرافیایی ممکن است در سنین متفاوتی محقق شود.

۳. مبانی فقهی و حقوقی تزویج صغار

در نظام فقه امامیه، «صغیر» به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ شرعی تعیین شده نرسیده باشد. با وجود اختلاف نظر در تعیین دقیق سن بلوغ، به اعتقاد مشهور فقهاء سن بلوغ در دختران ۹ سال قمری و در پسران ۱۵ سال قمری است. (علامه حلی، ۱۴۲۰ق: ۲/۵۳۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۶/۲۶ و ۳۸؛ خمینی، بی تا: ۱۳/۲) قانون مدنی ایران نیز در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ همین معیار را پذیرفته است. صغیر تا رسیدن به سن بلوغ در زمره محجوران قرار دارد و اداره امور او به ولی شرعی سپرده شده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۴/۱۰۱؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق: ۹/۲۳۷ و ۲۴۵) در این زمینه، براساس آیه ۲۳۷ سوره بقره و روایات موجود در این زمینه، (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۶/۱۰۷) اجماع فقهاء بر اصل ولایت پدر و جد پدری بر نکاح صغیر وجود دارد، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۲۵۳) اگرچه علامه حلی در مختلف الشیعه مخالفت ابن عقیل را نقل کرده که وی تنها برای پدر، حق ولایت قائل شده است. (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۷/۱۱۷) با این حال، این دیدگاه در میان فقهاء طرفدار چندانی نیافته و عرفاً عنوان «اب» شامل جد پدری نیز می‌شود. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۲۵۳) بر این اساس، پدر و جد پدری در قید حیات، با رعایت دو شرط اساسی عدم وجود مفسده و رعایت مصلحت صغیر، حق انعقاد عقد نکاح وی را دارا می‌باشند. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران نیز این اختیار را تحت شرایط خاص به رسمیت شناخته است. با این حال، به نظر می‌رسد در جامعه امروزی به دلیل تحولات اجتماعی و تغییر در مبانی شناخت مصلحت کودک، چنین ازدواج‌هایی با چالش‌های جدی از منظر «اصل عدالت» مواجه است، چرا که عرف عقلایی معاصر این رویکرد را با معیارهای عدالت سازگار نمی‌داند. از این رو، اگرچه مبانی فقهی و حقوقی موجود تاکنون به ولی این اختیار را داده است، ولی تطبیق آن با معیارهای عدالت در عصر حاضر نیازمند تأمل و تدبیر جدیدی است.

۴. چالش‌های تزویج دختر صغیره

۴-۱. تضييع حقوق همسر صغیره

نظام حقوقی حاکم بر ازدواج کودکان در ایران، با چالش‌های بنیادین در حمایت از حقوق این قشر آسیب‌پذیر مواجه است. با توجه به اینکه احکام فقهی و مقررات حقوقی موجود در ایران در حمایت و صیانت از کودکان ناکافی است، پیامدهای تزویج کودکان موجب تضييع حقوق آنان می‌گردد. بررسی دقیق این موضوع در دو صورت متمایز، عمق تضييع حقوق صغار را به تصویر می‌کشد.

صورت اول: ازدواج به ظاهر مصلحت‌آمیز

در تحلیل تاریخی این مسئله، باید اذعان نمود اگرچه در ادوار گذشته مصلحت‌هایی برای ازدواج کودک متصور بود یا مفسده‌ای بر عدم ازدواج وی مطرح بود، همان‌گونه که برخی از فقهاء (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۳۰۰)؛ و حقوقدانان (شیرازی، ۱۳۹۷ش، ص ۶۷-۶۸) متذکر شده‌اند، در زمان حاضر شاید جز در موارد استثنائی، نه تنها هیچ مصلحتی در اینگونه ازدواج‌ها نیست، بلکه این نوع ازدواج‌ها غالباً دارای مفسده و تبعات منفی زیادی دارد و بر این اساس می‌تواند آسیب‌های جدی به آنان وارد نماید که با مذاق شریعت، عقل و عرف سازگاری ندارد. چرا که در جوامع پیچیده امروزی، ولی (پدر) به سختی می‌تواند تمام مصالح آینده فرزندش را تشخیص دهد و اطمینان یابد که این عقد به نفع اوست. (عندلیب همدانی، ۱۴۰۳: شبکه اجتهاد). چنانکه آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ به استفتائی در این خصوص تصریح نموده‌اند: «در گذشته این اجازه به اولیا داده می‌شد که حتی برای صغیره همسری اختیار کنند و معمولاً مشکلی ایجاد نمی‌شد، ولی در عصر و زمان ما عملاً ثابت شده است که این ازدواج‌ها (دختران زیر ۱۳ سال پسران زیر ۱۵ سال) به مصلحت دختر و پسر نیست و دارای مفسده‌ای است و با توجه به اینکه مصلحت باید رعایت شود، این گونه ازدواج‌ها باطل است و اعتباری ندارد و باید پسران و دختران به حدی برسند که مصلحت خود را در ازدواج تشخیص دهند که بر اساس نظر و رضایت آنها ازدواج با اذن ولی صورت بگیرد». (ر.ک: هدایت نیا، ۱۳۹۸ش: ۵: ۲۹۳). اگر به فرض، نکاح صغیر یا صغیره به مصلحت وی باشد، از منظر فقهی، چنین عقدی که به اذن ولی منعقد شده، نافذ و هیچ کدام از دختر و پسر پس از بلوغ حق فسخ ندارند. هر چند در خصوص پسر اختلاف نظر وجود دارد و برخی برای پسر در چنین فرضی حق فسخ قائل هستند، (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۴/۲۹) ولی طبق نظر مشهور، پسر نیز مانند دختر حق فسخ ندارد. (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۲۰۴/۲۳) اما طبق قواعد، وی بعد از بلوغ از حق طلاق برخوردار است؛ ولی دختر از چنین حقی محروم است.

اینجاست که ظلم آشکار حقوقی خودنمایی می‌کند. بنابراین دختر در این خصوص دو راه بیشتر ندارد که هر دو به ضرر اوست. یا باید با همسری که خودش نقشی در انتخاب آن نداشت، به زندگی مشترک با او ادامه دهد هر چند مورد علاقه او نباشد به تعبیر عامیانه «بسوزد و بسازد»، یا اینکه با بذل مال به شوهر به روش خلع طلاق بگیرد. از منظر مشهور فقهاء طلاق خلع بر شوهر واجب نیست (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۷/۳۸۳؛ همچنین ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۳/۴۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۳/۴۵) و نظر وی نیز در میزان بذل مال باید تامین گردد که در بسیاری از موارد ممکن است شوهر زیر بار طلاق خلع نرود. از این روی دختری که در سن کودکی ازدواج کرده، بعد از بلوغ به آسانی نمی‌تواند از شوهری که خودش انتخاب نکرده و دلپسند او نیست، جدا شود. بر این اساس چنین ازدواجی که حق تصمیم‌گیری دختر در مهم‌ترین موضوع زندگی یعنی ازدواج را ضایع کرده و امکان جدایی از او به آسانی وجود ندارد، با اصول فقهی دیگری نیز مانند قاعده «لاضرر» و «لاخرج» که از مصادیق

اصل عدالت هستند، سازگاری ندارد. از این روی برخی از فقها در این مسئله حکم به احتیاط داده‌اند. (عاملی، ۱۴۱۱ق: ۶۷/۱؛ خویی، ۱۴۱۸ق: ۲۲۶/۳۳) بدین معنا که موافقت دختر بعد از بلوغ جلب شود و در صورت عدم موافقت طلاق داده شود.

صورت دوم: ازدواج مغایر با مصلحت

اگر عقدی که ولی صغیره انجام داده، به ضرر و یا برخلاف مصلحت وی تشخیص داده شود، از منظر برخی گرچه عقد فضولی است و وی پس از بلوغ می‌تواند فسخ نماید، (خمینی، بی تا a: ۲/ص ۲۵۵) اما به سه دلیل زیر این تدبیر نمی‌تواند از حقوق او صیانت نموده و جلوی ضرر به وی را بگیرد.

نخست آنکه؛ هر چند در مورد اعتبار عدم مفسده در ازدواج صغیر و صغیره توسط ولی قهری ادعای اجماع شده است، اما درباره وجوب رعایت مصلحت در امر ازدواج میان فقهاء اختلاف نظر وجود دارد. (ر.ک: نراقی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۷/۱۶؛ حکیم طباطبایی، ۱۴۱۶ق: ۱۴/۴۵۵-۴۵۷؛ خویی، ۱۴۱۸ق: ۲۲۹/۳۳، مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۲۵۳) بدین معنا که به نظر برخی اگر ازدواج صغیر و صغیره مفسده نداشته باشد، حتی در صورت عدم رعایت مصلحت وی، ولی قهری می‌تواند او را به دیگری تزویج نماید.

دوم آنکه؛ براساس دیدگاه وجوب رعایت مصلحت، کودک به دلیل عدم اهلیت تا سن بلوغ محجور است و اراده او نافذ نیست؛ بنابراین امکان استیفا برایش وجود ندارد. در نتیجه باید تا سن بلوغ براساس وجود علقه زوجیت، وظایف زناشویی از جمله مطالبات جنسی شوهر را انجام داده و اجابت نماید.

سوم آنکه؛ به فرض اگر همسر صغیره بعد از بلوغ به حق فسخ اقدام نماید، دیگر امکان برگرداندن خود به وضعیت سابق نخواهد داشت. (ر.ک: هدایت نیا، ۱۳۹۸ش b: ۲۶-۲۵) و ممکن است از روی ناچاری برای فرار از شرایط بدتر، عقد را تنفیذ نموده و تا آخر عمر چنین همسری را تحمل نماید.

از این روی، این چالش‌های متعدد نشان می‌دهد که نظام حقوقی موجود نه تنها قادر به حمایت مؤثر از کودکان نیست، بلکه در مواردی خود به عاملی برای تداوم چرخه ظلم تبدیل می‌شود. ضرورت بازنگری در این ساختار با توجه به تحولات اجتماعی و مطالبات عرف عقلائی، امری اجتناب‌ناپذیر است. براین اساس چنین ازدواج‌هایی که حق تصمیم‌گیری دختر در مهم‌ترین موضوع زندگی یعنی ازدواج را ضایع کرده و امکان جدایی از او به آسانی وجود ندارد، با اصول فقهی دیگری نیز مانند قاعده لاضرر و لاجرح که از مصادیق اصل عدالت هستند، سازگاری ندارد.

۲-۴. تهدید سلامت جسمی، روانی و اجتماعی

ازدواج کودکان پیامد و مفسد متعددی دارد که هر کدام از مصادیق ظلم و بی‌عدالتی محسوب می‌گردد.

۱. تهدیدات جسمی

بررسی های فقهی و تحلیل مقررات حقوقی موجود نشان می دهد سلامت جسمی همسر صغیره (دختر خردسال) در معرض تهدیدات جدی قرار دارد. اگرچه موافقه (آمیزش جنسی کامل) با صغیره به اجماع فقها ممنوع تلقی شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۲۹/۱۱۸)، اما مجاز دانستن «استمتاع عام» (تماس های جنسی غیر از مقاربت) از صغیره برای شوهر از سوی برخی (ر.ک: خمینی، بی تا a: ۲/۲۴۱؛ سیزواری، بی تا: ۵۴۹؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق: ۱۰/۳؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق: ۲/۳۰۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق: ۲/۳۹۶)، در عمل فضایی آسیب زا ایجاد کرده است. این امر به دلیل عدم نظارت بر رعایت حدود و ناسازگاری ذاتی این تماس ها با جسم کودک، زمینه سوءاستفاده را فراهم می کند. براساس اسناد سازمان ملل، زایمان عامل اصلی مرگ زنان ۱۴-۱۵ ساله در جهان است و مرگ و میر زنان ناشی از زایمان زیر ۱۵ سال، ۵ برابر زنان در دهه ۲۰ سالگی است (شکری، ۱۳۸۷ش: ۱۴۸-۱۴۹). همچنین بارداری زودهنگام، سقط جنین، عفونت ها و خشونت جنسی اجباری و خشونت خانگی از دیگر عوارض جسمی آن است (صابری و همکاران، ۱۴۰۲ش: ۹۹)

۲. تهدیدات روانی

پیامدهای روانی ناشی از ازدواج در سنین پایین می تواند تا دوره بزرگسالی تداوم یافته و کلیه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. از جمله این پیامدها می توان به اختلال «انزجار جنسی» و «واژینیسیم» اشاره نمود (هدایت نیا، ۱۳۹۸ش b: ۲۷). از سویی، هیچ ضمانت اجرای کارآمدی برای الزام شوهر به رعایت حدود یا جلوگیری از تعرضات جنسی فراتر از حدود مقرر وجود ندارد و از سوی دیگر، همسر خردسال به دلیل سن کم، وابستگی مطلق اقتصادی و اجتماعی، و فقدان آگاهی و رشد کافی، فاقد هرگونه توانایی و مشروعیت قانونی برای مقاومت در خانه یا دفاع از خود در محاکم است. (هدایت نیا، ۱۳۹۸ش a: ۲۹۴).

۳. تهدیدات و پیامدهای اجتماعی

از منظر اجتماعی، ازدواج کودکان به عنوان مصداق ظلم و بی عدالتی در تقابل با مصلحت ادعایی ولی قلمداد می شود. این پدیده به انزوای اجتماعی، طلاق عاطفی، بازماندگی تحصیلی، کودک بیوه گی و بازتولید چرخه فقر، تن فروشی، فرار از خانه و خودکشی منجر می شود (صابری و همکاران، ۱۴۰۲ش: ۹۹-۱۰۰؛ صباحی گراغانی، کهنسال، ۱۴۰۰ش: ۶۲-۶۳). افزایش آمار طلاق نیز از تبعات تأیید شده این ازدواج هاست (شکری، ۱۳۸۷ش: ۱۴۸) که خود نشان دهنده ظلم و بی عدالتی در حق همسر صغیره می باشد.

۳-۴. خلافاً و تناقضات تقنینی

در حوزه قوانین، خلافاً و تعارض مشهود است. قانون مدنی ایران در این زمینه سکوت اختیار کرده است. با این حال، ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، تنها در صورت وقوع «نقص عضو»، «مرض دائم» یا «فوت» زن در مواردی که ازدواج بر خلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی صورت گرفته، مجازات پیشبینی کرده و عملاً دیگر موارد واقعه را بی مجازات گذاشته است. این رویکرد تقنینی، به طور تلویحی مشروعیت واقعه در سایر موارد را قابل استنباط ساخته است. از مفهوم این ماده چنین استنباط می شود که اگر واقعه به نقص عضو یا مرض دائم منجر نشود، جرم محسوب نگردیده و مانعی ندارد. از سوی دیگر، هر چند مطابق ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، استمتاع و واقعه با همسر خردسال ممنوع و جرم محسوب شده است، اما این قانون به دلیل تخصیص توسط قوانین خاص خانواده (مانند قانون مدنی و قانون حمایت خانواده) در عمل کارایی خود را از دست می دهد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۸ش: ۵: ۲۹۴). این تعارض قانونی، خلائی خطرناک و ناعادلانه در نظام حمایتی از کودکان ایجاد نموده است.

۴-۴. تعارض تزویج صغار با اصل استحکام خانواده

اصل ثبات و استحکام خانواده که مستند به ادله عقلی و نقلی است، یک اصل کلی حقوقی و اصل راهنماست که باید مبنای تصمیم سازی و قانونگذاری در حوزه خانواده گردد. (آل اسحق خوئینی، ۱۳۹۵: ۳) این اصل در قانون اساسی نیز طی اصل دهم و بند سوم اصل بیست و یکم مورد تاکید قرار گرفته است که در مواردی از قانون عادی مانند مسئله مورد بحث مورد غفلت قرار گرفته است. مطابق اصل یاد شده هر آنچه که موجب پایداری و استواری و بقای خانواده گردد، مورد تایید و تاکید شارع مقدس است و هر آنچه که موجب تزلزل و ناپایداری روابط خانوادگی گردد، مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است. (آل اسحق خوئینی، ۱۳۹۵: ۲) شواهد تجربی نشان می دهد ازدواج در سن پایین با اصل یاد شده سازگاری ندارد. در روایت معتبر و صحیح هاشم بن حکم (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق: ۲۹/۷۹؛ انصاری شیرازی و دیگران، ۱۴۲۹ق: ۶۸/۱) نیز ادعای مذکور را تایید کرده و از آن نهی نموده اند. طبق روایت مذکور «شخصی به امام صادق (ع) یا امام رضا (ع) (تردید از راوی است) می گوید: ما فرزندانمان را در صغر سنی به ازدواج دیگران در می آوریم؛ امام پاسخ دادند: إذا زوّجوا و هم صغارٌ لم یکادوا یتألفوا، اگر در خردسالی به ازدواج در آورده شود، بعید است که با یکدیگر انس و الفت بگیرند». (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/۳۹۸) با این توصیف، فقهاء نهی مذکور در روایت را بر کراهت حمل نموده اند. (ر.ک: بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۲۳/۱۵۰؛ یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹ق: ۲/۸۰۱؛ حکیم طباطبایی، ۱۴۱۶ق: ۱۴/۱۱؛ خویی، ۱۴۱۸ق: ۱۱/۳۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۴/۲۷؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق: ۲/۲۰۱) مرحوم شیخ حرعاملی نیز در کتاب ارزشمند حدیثی خود روایت مذکور را ذیل باب کراهت تزویج صغار آورده است.

(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۰۴/۲۰) به جز برخی از فقها که نظرشان این است که تزویج کودکان در زمان ما موجب فساد امر است لذا حرام بوده^۱ و عقد صحیح نیست. (مکارم شیرازی؛ ۱۴۲۵ق: ۳۰۰؛ همان، ۱۴۲۸ق: ۷۵۶/۲).

۴-۵. تزویج کودکان؛ چالشی بین عدالت فقهی و تعهدات بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران با الحاق مشروط به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲، متعهد به حمایت از کودکان در برابر کلیه اشکال خشونت و بهره‌کشی جنسی شده است (<https://rc.majlis.ir>). با این حال، قوانین داخلی که اجازه ازدواج و استمتاع از کودکان (همسر صغیره) را تحت شرایطی می‌دهند، در تعارض آشکار با روح این کنوانسیون و اصل بنیادین عدالت قرار دارند. این تعارض، علیرغم شرط عدم مغایرت با موازین اسلامی و قوانین داخلی در الحاق ایران، (<https://rc.majlis.ir>) موجب تخریب وجهه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران شده است. نهادهای بین‌المللی مانند کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، به‌طور مکرر نگرانی خود را از پایین بودن حداقل سن ازدواج در ایران، اعلام کرده اند. (ر.ک: شکری، ۱۳۸۷: ۱۴۹) تداوم این وضعیت و عدم منع صریح تزویج صغار در قوانین داخلی، تصویری از نقض حقوق کودکان و عدالت‌ستیزی را در مجامع جهانی القا می‌نماید. (هدایت‌نیا، ۱۳۹۸ش: b: ۲۸)

راه برون‌رفت از این بحران، در نظریه «تغییر موضوع» در فقه اسلامی نهفته است. بر اساس این دیدگاه که زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهاد محسوب می‌شوند (خمینی، بی تا: b: ۲۱/۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق: ۳۵/۲)، اگرچه حکم اولیه شرعی ثابت است، اما موضوع حکم می‌تواند با تحولات اجتماعی و مصالح زمانه دگرگون شود. بنابراین، موضوع «ولایت بر صغیر» و «مصلحت کودک» در عصر حاضر تغییر یافته و ازدواج در سنین پایین به دلیل پیامدهای مخرب روانی، جسمی، اجتماعی و نیز «خوف مفسده» و تضييع حقوق کودک، دیگر مصداق بارز مصلحت به شمار نمی‌رود. در نتیجه، تزویج کودکان نه تنها با استانداردهای بین‌المللی، بلکه با تفسیر معاصر از اصل عدالت و کرامت انسانی در منظومه فقهی نیز در تعارض است. عدالت به عنوان محوری‌ترین معیار در حقوق مدرن و متون اسلامی، در شرایط کنونی، حمایت همه‌جانبه از کودک و ممنوعیت مطلق هرگونه بهره‌کشی را ایجاب می‌کند.

بر این اساس، قانونگذار می‌بایست با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقه پویا و با محوریت قرار دادن اصل عدالت، در مقررات مربوط به ازدواج کودکان بازنگری اساسی به عمل آورد. این بازنگری باید شامل افزایش حداقل سن ازدواج و ممنوعیت

^۱ - عین عبارت ایشان ذیل فتوای صاحب عروه مبنی بر کراهت تزویج صغار چنین است: «بل قد یحرم إذا کان سبباً لفساد أمرها فی المستقبل؛ و الأحوط الترتک فی مثل هذه الأعصار، لا لتبدل الحکم بل لتبدل موضوعه، لأنه فیہ المفسده غالباً، فلا يجوز للولی الإقدام علیه إلاً فی موارد خاصه».

صریح و مطلق هرگونه استمتاع از کودکان باشد. چنین اقدامی نه تنها ضامن حقوق کودکان و تقویت کننده وجهه بین‌المللی ایران به عنوان مدافع حقوق مستضعفان خواهد بود، بلکه با اصول مسلم شرعی و مصالح نظام اسلامی نیز کاملاً همخوانی دارد.

۵. راهکارهای نوآورانه و ساختارمند

با توجه به چالش‌های فقهی، حقوقی، اجتماعی و روان‌شناختی متعددی که در زمینه تزویج دختران صغیره وجود دارد، ارائه راهکارهای نوآورانه، عملی و ساختارمند برای خروج از وضعیت موجود، امری ضروری است. این راهکارها بر ظرفیت‌های درونی فقه امامیه و اصل عدالت تکیه دارند و در راستای صیانت از حقوق کودکان و انطباق قوانین با مقتضیات زمان و کرامت انسانی گام برمی‌دارند.

۵-۱. بازتعریف معیارهای کودکی و بلوغ نکاحی: رشد عقلانی به جای سن ثابت

اساسی‌ترین راهکار برای ساماندهی پدیده کودک‌همسری، بازنگری در معیارهای سنتی تعیین صلاحیت ازدواج است. معیار سنی ثابت (مانند ۹ سال قمری برای دختران) که ممکن است در گذشته با شرایط زیستی و اجتماعی هماهنگ بوده باشد، در عصر حاضر با توجه به افزایش دوره‌های آموزشی و تحول در سبک زندگی، دیگر پاسخگوی مصالح عالیه کودکان نیست. هیچ معیار سنی واحدی نمی‌تواند برای همه مناطق و زمان‌ها پاسخگو باشد. تحلیل جامع منابع دینی و اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که نگاه تک‌بعدی به بلوغ جنسی نمی‌تواند مبنای مناسبی باشد. در قرآن کریم با مفاهیم چندبعدی بلوغ «بلوغ حلم» (نور، ۵۹)، «بلوغ اشد» (یوسف، ۲۲؛ قصص، ۱۴) و «بلوغ نکاح» (نساء، ۶) مواجهیم. علامه طباطبایی، مرحله بلوغ اشد را زمانی می‌داند که قوای بدنی و عقلانی فرد به حد کمال رسیده و ویژگی‌های کودکی (صباوت) از میان رفته باشد که عمدتاً مصادف با هجده سالگی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۱/۱۱۹)

در روایات نیز ضمن اشاره به نشانه‌های بلوغ، محدوده‌های سنی متفاوتی (۹ تا ۱۳ سال برای دختران و ۱۳ تا ۱۶ سال برای پسران) به عنوان اماره بلوغ مطرح شده که حاکی از توجه به تنوع شرایط فردی و محیطی است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲ش: ۲۹)

معیار اصلی برای ازدواج باید بر «رشد سه‌گانه» تأکید کند: آمادگی جسمی و جنسی، و مهم‌تر از همه، رشد عقلانی و روانی - اجتماعی برای درک تبعات زندگی زناشویی، مدیریت خانواده و تشخیص مصلحت خویش. برای تعیین مصداق عینی این رشد در جهان معاصر، فقیه باید در کنار نصوص فقهی به نظرات کارشناسی پزشکان قانونی، روان‌شناسان کودک و نوجوان، و جامعه‌شناسان توجه کند. (عندلیب همدانی، ۱۴۰۳: شبکه اجتهاد) اگرچه برخی پژوهشگران با توجه به پیچیدگی‌های جامعه مدرن، محدوده سنی بلوغ روانی و اجتماعی نوجوانان را بین ۱۰ تا ۲۵ سالگی پیشنهاد کرده‌اند، (صابری و همکاران، ۱۴۰۲ش: ۱۰۲) این دیدگاه نیازمند بررسی دقیق‌تر است.

کنوانسیون حقوق کودک با تعریف کودک به فرد زیر ۱۸ سال، هرچند با درج قید «مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» انعطاف نشان داده، اما تأکید بر حمایت همه‌جانبه از افراد زیر این سن دارد. (پیوندی، ۱۳۹۰ش: ۴۳-۴۱) در نظام حقوقی ایران نیز اگرچه ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی سن نکاح را ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران تعیین کرده، اما رویه قضایی با پذیرش سن ۱۸ سال به عنوان اماره قانونی رشد، ناهماهنگی عملی ایجاد کرده که مشکلات متعددی در احقاق حقوق مالی زوجین به وجود آورده است. (شکری، ۱۳۸۷ش: ۱۳۹-۱۴۰ و ۱۵۳) بنابراین، گذار از معیار سنی ثابت به الگوی «رشد چندبعدی» شامل بلوغ جسمی و جنسی، عقلانی و روانی-اجتماعی که با بهره‌گیری از نظریات متخصصان علوم پزشکی، روانشناسی و جامعه‌شناسی تعیین می‌شود، می‌تواند همسو با مبانی تفسیری، روایی و بین‌المللی، راهکار مناسبی برای تضمین مصالح عالیه کودکان و نوجوانان در امر ازدواج مطابق با اصل عدالت باشد. این رویکرد علاوه بر حفظ اصالت فقهی، انسجام حقوقی و مصالح اجتماعی را نیز تأمین خواهد کرد.

۲-۵. اصلاحات ساختاری در نظام تقنینی و قضایی

هدف این است که از سوءاستفاده از اختیارات ولی قهری جلوگیری گردد. بر این اساس، قانون‌گذار باید به سمت «منع مطلق» ازدواج زیر سن معین (همانند طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در سال ۱۳۹۷ توسط مجلس شورای اسلامی) حرکت کند. این منع به عنوان حکم اولیه و غالب عمل خواهد نمود، لکن در موارد استثنایی و بسیار محدود که مصلحت قطعی کودک احراز گردد، امکان صدور مجوز با رعایت تشریفات سخت‌گیرانه و تحت نظارت مرجع قضایی وجود خواهد داشت (سیاه‌بیدی کرمانشاهی و همکاران، ۱۳۹۹ش: ۱۶۰-۱۶۱). در حال حاضر طبق ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی مسئولیت ولی صرفاً در موارد سوء مدیریت اموال پیش‌بینی شده و در خصوص ازدواج مخالف مقررات (مانند ماده ۱۰۴۱ ق.م) فاقد ضمانت اجرای کیفری و حقوقی مؤثر است، به‌ویژه هنگامی که سوء رفتار ولی موجب ضرر غیرمالی به کودک می‌شود. (شکری، ۱۳۸۷ش: ۱۵۱) برای رفع این خلأ قانونی، پیشنهاد می‌گردد تبصره ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ اصلاح شده و مجازات حبس تعزیری برای ولی که بر خلاف مصلحت کودک، اقدام به صدور اذن ازدواج نموده است، همچنین برای مداخله کنندگان در انعقاد چنین عقدی، پیش‌بینی شود. این اصلاحیه ضمن تقویت پیگرد قانونی، مانع سوءاستفاده از اختیارات ولایی و مداخله کنندگان خواهد شد.

۳-۵. تشکیل «کارگروه تخصصی مصلحت‌سنجی» راهکار حقوقی-قضایی

در دادگاه خانواده برای اجرای صحیح موارد استثنایی (مانند ماده ۱۰۴۱ ق.م)، پیشنهاد می‌شود در دادگاه‌های خانواده هر استان، کارگروهی تخصصی متشکل از قاضی، روانشناس کودک، مددکار اجتماعی و پزشک تشکیل شود (حسین‌زاده و اکبری، بی تا: ۴۳۲) وظیفه این نهاد ناظر، بررسی دقیق شرایط کودک، خانواده و ازدواج، و اعلام نظر کارشناسی به دادگاهدر مورد وجود یا عدم مصلحت قطعی است. این مکانیسم، تشخیص مصلحت را از انفراد ولی خارج و آن را به یک فرآیند جمعی و کارشناسی تبدیل می‌کند.

۴-۵. اصلاح ساختار ولایت قهری

بر اساس مبانی فقهی و حقوقی، مصلحت کودک به عنوان محور اصلی نهاد ولایت قهری به عنوان امری عقلایی شناخته شده است، به گونه‌ای که ولی موظف به رعایت غبطه و منافع عالیّه مولی‌علیه می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۲۹۸؛ کاتوزیان، ۱۳۹۵ش: ۲/۲۰۱) با توجه به نقش بی‌بدیل مادر در شناخت نیازهای کودک و دلسوزی ذاتی او، محرومیت وی از حق ولایت می‌تواند به ویژه در شرایط طلاق یا فوت پدر، موجب عسر و حرج برای مادر و تضییع مصالح کودک بیانجامد. از سوی دیگر، توسعه فرهنگی جامعه و حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی، بازنگری در قوانین موجود (مانند ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ ق.م) را ضروری ساخته است. همچنین، ولایت انحصاری پدر و جد پدری با چالش‌های عملی از قبیل احتمال سوءاستفاده مالی، ایجاد اختلافات خانوادگی و نبود نظارت کافی مواجه است که این امر ضرورت بهره‌مندی مادر از حق ولایت در کنار پدر را به عنوان گامی منطقی و عادلانه در جهت حمایت از کودکان و همسو با تحولات جامعه ایجاب می‌نماید. (عظیم‌زاده اردبیلی و افقه، ۱۳۹۵ش: ۱۹-۲۰)

۵-۵. بازاندیشی فقهی و حقوقی در احکام ازدواج و استمتاع از کودکان

در راستای حمایت همه‌جانبه از کودکان و با تکیه بر اصل عدالت و روح شریعت، بازاندیشی در احکام فقهی مربوط به عقد و استمتاع ضروری می‌نماید.

نخست آنکه، با توجه به تعارض تزویج کودکان (حتی با اذن ولی مگر در موارد استثنایی) با مفهوم «معروف» در ازدواج و خلاف ارتکاز عقلا و عدم توانایی ولی در تضمین مصالح آتی کودک به ویژه در جامعه امروزی، باید قائل به بطلان وضعی هرگونه عقد ازدواج (دائم یا موقت) برای صغار بود. این رویکرد با تئوری شرطیت رعایت مصلحت به عنوان نفوذ عقد کاملاً همسو است، چرا که ولی قهری نمی‌تواند مصلحت واقعی و آینده کودک را به طور قطعی تشخیص دهد. (عندلیب همدانی، ۱۴۰۳: شبکه اجتهاد؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۳۰۰)

دوم، به رسمیت شناختن حق فسخ مطلق برای فردی که در سن صغر تزویج شده، پس از بلوغ و رشد امری اساسی است. ازدواج در کودکی بر مبنای اراده و ولایت دیگری شکل می‌گیرد و فرد با خروج از حَجْر باید این امکان را داشته باشد که در

مهم‌ترین تصمیم زندگی خود مستقلانه تجدید نظر کند. (صانعی، ۱۳۸۸ش: ۴۲۳) این حق، تضمینی برای احترام به اراده آزاد و خودمختاری فرد در بزرگسالی است.

سوم، با استناد به مبانی فقهی (ر.ک: اسماعیلی فلاح و همکاران، ۱۴۰۲ش: ۱۳-۲۰) از جمله «مخصّص لبی»، هرگونه استمتاع از صغیره - اعم از وطی و غیر آن - حرام تکلیفی شناخته می‌شود. (عندلیب همدانی، ۱۴۰۳: شبکه اجتهاد) عقل سلیم، قبح ذاتی این عمل را که موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیر روانی و گاه جسمی به کودک می‌شود، به وضوح درک کرده و آن را به عنوان مصداق بارز کودک‌آزاری محکوم می‌کند. این حکم، نه از باب احکام ثانوی، بلکه مبتنی بر منع عقلانی اولیه از هرگونه تصرف آسیب‌زا است و حتی وجود عقد نکاح و محرمیت ناشی از آن، ماهیت آزاردهنده و قبیح این عمل را تغییر نمی‌دهد. در بعد وضعی نیز این اقدام موجب ضمان است. با احراز ضررهای وارده - اعم از نقص در سلامت روان، آسیب جسمی یا لطمه به حیثیت - مرتکب ملزم به جبران خسارت می‌باشد. (منظمی و موحدی، ۱۴۰۳ش: ۲۹۵-۲۹۸) نظام حقوقی عادلانه، بدون پیش‌بینی مسئولیت مدنی و ضمان آمره برای چنین افعال زیان‌باری، نمی‌تواند ادعای حمایت از محروم‌ترین اقشار یعنی کودکان را داشته باشد. بنابراین، تحقق اصل عدالت، هم حرمت تکلیفی این اعمال را ایجاب می‌کند و هم مسئولیت جبران خسارت ناشی از آن را به عنوان حکمی وضعی ضروری می‌سازد.

۵-۶. مقابله با ریشه‌های اجتماعی-اقتصادی

حل پایدار معضل کودک‌همسری مستلزم پرداختن به ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی این پدیده است. شواهد نشان می‌دهد که فقر، باورهای فرهنگی نادرست و نبود حمایت‌های اجتماعی از خانواده‌های کم‌درآمد، از عمده‌ترین دلایل ترویج این امر هستند (صابری و همکاران، ۱۴۰۲ش: ۹۷-۹۸). در این راستا، راهکارهای متعددی پیشنهاد می‌گردد: نخست، حمایت اقتصادی از خانواده‌های محروم از طریق ایجاد صندوق‌های حمایتی ویژه و تخصیص سهمی از درآمد ملی، امری ضروری است. این اقدام می‌تواند فشار معیشتی که به تصمیمات ناگوار ازدواج زود هنگام منجر می‌شود را کاهش دهد. دوم، رفع نابرابری‌های جنسیتی و توانمندسازی دختران محوری اساسی است. اجرای برنامه‌های فرهنگی و آموزشی برای زدودن باورهای تبعیض‌آمیز، در نهادهای مؤثر جامعه (مانند مساجد، مدارس و مراکز بهداشتی) به ارتقای موقعیت اجتماعی دختران می‌انجامد (صابری و همکاران، ۱۴۰۲ش: ۱۰۲). در عین حال، سیاست‌گذاری در این حوزه باید رویکردی متوازن و همه‌جانبه داشته باشد. از یک سو، تعیین سن ازدواج باید با در نظرگیری ابعاد فقهی، حقوقی، اجتماعی و روانی صورت پذیرد و از تسهیل ازدواج کودکان جلوگیری کند. از سوی دیگر، افزایش بی‌رویه سن ازدواج نیز خود می‌تواند پیامدهای منفی اجتماعی و روانی به همراه داشته باشد (شکری، ۱۳۸۷ش: ۱۵۰). از این رو، همان‌گونه که ازدواج در کودکی به دلیل فقدان رشد فکری لازم و احتمال کم ایجاد الفت مطلوب رد شده (عظیمی و همکاران، ۱۴۰۰ش: ۶۳) تشویق به ازدواج در ابتدای جوانی به شرط برخورداری از «رشد فکری مطلوب» مورد تأکید قرار گرفته است (همان، ۶۶-۷۰) بنابراین، سیاست‌گذاری باید به سمتی حرکت کند که هم از

ازدواج‌های نامناسب زود هنگام و هم از تأخیرهای آسیب‌زا جلوگیری نموده و «ازدواج سالم» را تقویت نماید. تحقق این امر مستلزم عزم ملی، همراهی نهادهای دینی، قضایی و مدنی و در نهایت، گامی بلند در راستای صیانت از حقوق کودکان و تحقق عدالت است.

۵. نتیجه گیری

بررسی فقهی-حقوقی انجام شده در این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که تزویج دختران صغیره در شرایط کنونی، با اصل عدالت که محور و مقصد شریعت است، در تعارضی آشکار قرار دارد. اگرچه در منظومه فقه سنتی، با استناد به ادله ولایت ولی قهری، چنین ازدواج‌هایی تحت شرایطی جایز شمرده شده است، اما تحولات اجتماعی، یافته‌های علوم پزشکی و روانشناسی، و تغییر در ارتکاز عقلای معاصر، مصادیق جدیدی از عدل و ظلم را به ارمغان آورده که بازخوانی آن احکام را ضروری می‌سازد. این تحقیق با تبیین جایگاه رفیع عدالت به عنوان قاعده‌ای فراقه‌ای و «مخصص لبی» برای ادله ولایت، و همچنین با تأکید بر ماهیت امضایی نکاح و محوریت «معروف» که مستلزم «رشد عقلانی» است، به این نتیجه رسید که تزویج فرد فاقد رشد عقلانی، خارج از دایره مصادیق ازدواج نمی‌تواند مورد امضای شارع باشد. از سویی دیگر، تحلیل چالش‌های عملی از جمله نقض حقوق کودک، به خطر افتادن سلامت جسمی و روانی، مشکلات اجتماعی، تعارض با اصل ثبات خانواده، خلأها و تناقضات تقنینی و تخریب وجهه بین‌المللی ایران اسلامی، همگی گواهی بر ناعادلانه این عمل در عصر حاضر هستند. بر این اساس، راهکار برون‌رفت، بازنگری در قوانین موجود با اتکا به ظرفیت‌های غنی فقهی است. پیشنهاد می‌گردد قانونگذار با الهام از نظرات فقه اجتماعی، با تعیین حداقل سن ازدواج متناسب با «رشد عقلانی» و با لحاظ نظر متخصصان علوم مرتبط، به سمت «منع مطلق» این پدیده با «استثنائات محدود و کنترل‌شده» حرکت کند. تشکیل کارگروه‌های تخصصی در دادگاه‌های خانواده برای ارزیابی مصلحت در موارد استثنا، و به رسمیت شناختن «حق فسخ مطلق» برای فرد پس از رسیدن به بلوغ و رشد، از دیگر راهکارهای حقوقی برای نهادینه کردن عدالت و صیانت از حقوق کودکان است. تحقق این امر، گامی بلند در جهت انطباق هر چه بیشتر قوانین با روح عدالت‌خواهانه شریعت و کرامت ذاتی انسان خواهد بود.

- آل اسحق خوئینی، زهرا (۱۳۹۵)، **اصل تحکیم خانواده: مبانی و کارکردهای آن در حقوق ایران**، پایان نامه: استاد راهنما: دکتر باریکلو، پردیس فرابی دانشگاه تهران.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، **تفسیر التحریر والتنویر**، بیروت: موسسه التاریخ العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، ۱۴ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ارسطو محمد جواد (۱۴۰۰ش)، **فقه اجتماعی**، تقریر و تحقیق: محمد مهدی فر، قم: مکتب اندیشه.
- اسماعیلی فلاح مرضیه، شاکری گلپایگانی طوبی، غروی نائینی نهله (۱۴۰۲)، **جواز تمتع از زوجه صغیره: خوانشی انتقادی**، پژوهش نامه زنان، شماره ۴۶، ۱-۴۶.
- اشتهاودی، علی پناه (۱۴۱۷ق)، **مدارک العروة**، ۳۰ جلد، تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
- اصغری سید محمد (۱۳۸۸ش)، **عدالت به مثابه قاعده فقهی و حقوقی**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۱، ۱-۲۱.
- امامی، سید حسن (بی تا)، **حقوق مدنی**، ۶ جلد، تهران: انتشارات اسلامیة.
- انصاری شیرازی، قدرت الله و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام (۱۴۲۹ق)، **موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها**، ۴ جلد، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، ۲۵ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- پیوندی غلامرضا (۱۳۹۰ش)، **حقوق کودک**. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوادی آملی عبدالله (۲۷/۱۰/۱۴۰۰)؛ **درس خارج فقه آیت الله عبدالله جوادی آملی**، <https://eshia.ir>، تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸.
- حائری طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق)، **ریاض المسائل**، ۱۶ جلد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسین زاده، معصومه؛ اکبری، محمود (بی تا)، **آسیب شناسی کودک همسری با نگاهی به فقه امامیه و حقوق ایران**، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی چالشها و راهکارهای تعالی نهاد خانواده در مذاهب اسلامی با محوریت آسیبهای اجتماعی، ۴۱۹-۴۳۶.
- حکیم طباطبایی، سید محسن (۱۴۱۶ق)، **مستمسک العروة الوثقی**، ۱۴ جلد، قم: مؤسسه دار التفسیر.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعة**، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم،
- خوبی، سید ابو القاسم (۱۴۱۸ق)، **موسوعة الإمام الخوئی**، ۳۳ جلد، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱ق)، **کتاب البیع**، ۵ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- _____ (بی تا a)، **تحریر الوسيلة**، ۲ جلد، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- _____ (بی تا b)، **صحیفه نور**، ج ۲۱، بی جا: بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- سیزواری، سید عبد الأعلى (بی تا)، **جامع الأحكام الشرعیة**، در یک جلد، قم: مؤسسه المنار.

- _____ (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.
- سیاه بیدی کرمانشاهی، سعید؛ بهرامپوری، رسول؛ کوهستانی، محسن (۱۳۹۹)، تحلیل فقهی حقوقی کودک همسری در پرتو انتقادات وارد بر آن؛ تلاشی برای ارائه پیشنهاد مطلوب، مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۵۲، ۱۴۹-۱۶۵.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق)، قاعده لا ضرر و لا ضرار، یک جلد، قم: دفتر آیه الله سیستانی.
- _____ (۱۴۱۷ق)، منهاج الصالحین، ۳ جلد، قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
- سیوری حلی، مقداد بن عبد الله (۱۴۲۵ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن، ۲ جلد، قم: انتشارات مرتضوی.
- شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، ۲۵ جلد، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- شکری فریده (۱۳۸۷)، بررسی حقوقی سن ازدواج و رشد دختران. مطالعات راهبردی زنان، ۴۰، ۱۳۱-۱۵۶.
- شهید ثانی، عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- _____ (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ۱۰ جلد، قم: کتابفروشی داوری، قم - ایران.
- _____ (بی تا)، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان (ط - القدیمه)، در یک جلد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- شیروی عبدالحسین (۱۳۹۷ش)، حقوق خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندان)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- صابری، فاطمه؛ صابری، لیلا، بهادری جهرمی، ثمینه (۱۴۰۲)، پدیدارشناسی کودک همسری با رویکرد کودک آزاری و راه های مقابله با آن، مجله زن و جامعه، ۳، ۹۴-۱۰۴.
- صناعی یوسف (۱۴۲۴ق)، فقه الثقلین فی شرح تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- _____ (۱۳۹۶ش)، گفتگو با حضرت آیت الله صانعی، در کتاب قاعده عدالت در فقه امامیه؛ به کوشش حسنعلی علی اکبریان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، قم.
- _____ (۱۳۸۸ش)، استفتائات قضایی (جلد دوم) حقوق مدنی، چاپ اول، قم: انتشارات پرتو خورشید.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶ق)، هدایة العباد، یک جلد، قم: دار القرآن الکریم.
- صباحی گراغانی، معین؛ کهنسال، سمیرا (۱۴۰۰)، آثار و ضمانت اجرای فقهی ازدواج کودکان. فقه و حقوق معاصر، ۱۷، ۵۳ تا ۷۱.
- صرامی سیف الله (۱۳۹۹ش)، قاعده فقهی نفی ظلم در قرآن کریم، مجله قرآن، فقه و حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۲.
- صفایی سید حسین و قاسم زاده سید مرتضی (۱۳۹۴ش)، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات سمت و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ضیایی فر، سعید (۱۳۹۲ش)، فلسفه علم فقه، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.
- طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم
- طریحی فخر الدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق)، **المبسوط فی فقه الإمامیة**، ۸ جلد، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه؛ افقه، آلا سادات (۱۳۹۵ ش)، **نهاد ولایت بر کودک و خلأها و چالش های آن در فقه و حقوق**، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده، ۶۵، ۳۰-۵.
- عظیمی، محمد، شاهبازی، مصطفی؛ اسکندری، علی (۱۴۰۰ ش)، **نگاهی اجتهادی به سن کیفی ازدواج دختران**، مصباح الفقاهه. شماره ۷ ص ۵۵-۸۰.
- عاملی حسینی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹ق)، **مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العالمة** (ط - الحدیثة)، ۲۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق)، **نهاية المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام**، ۲ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علاسوند، فریبا (۱۴۰۳ ش)، **عدالت، زن، جنسیت**، چاپ اول، قم: پژوهشکده زن و خانواده.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق)، **مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة**، ۹ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۲۰ق)، **تحریر الأحكام الشریعة علی مذهب الإمامیة** (ط - الحدیثة)، ۶ جلد، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- علیدوست ابوالقاسم (۱۳۹۳ ش)، **نقش عدالت در فرآیند استنباط اول و دوم**، مجله فقه، ۸۱، ۳-۲۰.
- عندلیب همدانی، محمد (۱۴۰۳ ش)، **بررسی فقهی ازدواج با کودکان**، شبکه اجتهاد، <https://ijtihadnet.ir>، تاریخ مراجعه ۱۴۰۳/۱۱۰/۲۳
- فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا)، **کتاب العین**. بی جا: بی نا.
- فیروز آبادی، مجد الدین (بی تا)، **القاموس المحیط**، بی جا: بی نا.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ ق)، **الوافی**، ۲۶ جلد، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۸ق)، **المصباح المنیر**، بی جا: المكتبة العصرية.
- قرشی سید علی اکبر (۱۳۷۱ ش)، **قاموس قرآن**، تهران: ناشر: دار الکتب الإسلامية.
- کاتوزیان ناصر (۱۳۹۵ ش)، **دوره حقوق مدنی، خانواده، جلد دوم، اولاد**، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ق)، **هدایة العباد**، ۲ جلد، قم: دار القرآن الکریم.
- محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق)، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ۴ جلد، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۰۶ق)، **منهاج المؤمنین**، ۲ جلد، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره.
- محقق داماد سید مصطفی (۱۳۹۷ ش)، **مکتب اجتهادی آخوند خراسانی**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصطفوی حسن (۱۳۶۰ ش)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری مرتضی (۱۳۷۸ ش)، **یادداشت های استاد مطهری**، تهران: انتشارات صدرا.

- _____ (۱۳۸۵ش)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق)، **أنوار الفقاهة - كتاب النكاح**، در يك جلد، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب عليه السلام.
- _____ (۱۳۸۳ش)، **احكام بانوان**، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، چاپ پنجم، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- _____ (۱۴۲۷ق)، **دائرة المعارف فقه مقارن**، در يك جلد، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب عليه السلام.
- _____ (۱۴۲۴ق)، **كتاب النكاح**، ۶ جلد، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب عليه السلام.
- منتظری، نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ق)، **دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية**، ۴ جلد، قم: نشر تفکر.
- منظمی فاطمه، موحدی محب مهدی (۱۴۰۳)، **منع استمتاع از زوجه صغیره، با استناد به مخصّص لّبی**، نشریه علمی مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۳۵، ۲۸۵-۳۰۴.
- موسوی بجنوردی سید محمد (۱۳۸۲)، **بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌مندی از حقوق مربوطه**، پژوهشنامه متین، ۲۱، ۲۷-۶۰.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، **مستند الشیعة فی أحكام الشریعة**، ۱۹ جلد، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ۴۳ جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- هدایت نیا فرج الله (۱۳۹۸ش a)، **ظرفیت حقوق در تحکیم خانواده**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ (۱۳۹۸ش b)، **تجویز مشروط یا تحریم مطلق کودک همسری؟**، نشریه دین و قانون، ۲۶، ۱۱-۳۵.
- یزدی طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ق)، **العروة الوثقی**، ۲ جلد، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

<https://rc.majlis.ir>

<https://rc.majlis.ir>

<https://fa.wikipedia.org>

References

-Al-Eshaq Khoeini, Z. (2016). *Asl-e Tahkim-e Khanevadeh: Mabani va Karkard-haye an dar Hoghugh-e Iran [The Principle of Strengthening the Family: Its Foundations and Functions in Iranian Law]*. (Master's Thesis). Supervisor: Dr. Barikloo, Farabi Campus of University of Tehran.

- Ibn Ashur, M. T. (1999). *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir*. Beirut: Mo'assesat al-Tarikh al-Arabi.

- Ibn Manzur, M. M. (1994). Lisan al-Arab. Beirut: Dar Sader.
- Ardabili, A. M. (1983). Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan fi Sharh-e Ershad al-Azhhan (14 Vols.). Qom: Daftare Entesharate Eslami (affiliated with Jamia Modarresin.)
- Arasta, M. J. (2021). Fjgh-e Ejtema'i [Social Fiqh]. (Reported and Researched by M. Mahdi Far). Qom: Makth-e Andisheh.
- Esmaili Falah, M., Shakeri Golpaygani, T., Gharavi Naeini, N. (2023). Jawaz-e Tamatto' az Zoje-ye Saghireh: Khanesh-e Enteghadi [Permissibility of Enjoyment from a Minor Wife: A Critical Reading]. Pajooresh-Nameh Zanan (Women's Research Journal), (46), 1-46.
- Eshtehardi, A. P. (1997). Madarik al-Urwah (30 Vols.). Tehran: Dar al-Uswah lil-Tiba'ah wa al-Nashr.
- Asghari, S. M. (2009). Edalat be mathabe-ye Gha'ede-ye Fjgh-i va Hoghugh-i [Justice as a Fiqhi and Legal Rule]. Journal of Private Law Studies, 1, 1-21.
- Imami, S. H. (n.d.). Hoghugh-e Madani* (6 Vols.). Tehran: Islamia Publications.
- Ansari Shirazi, G., Researchers of the Fjgh-i Center of A'immah Athar (2008). Mowsu'at Ahkam al-Atfal wa Adillatuha (4 Vols.). Qom: Markaz-e Fjgh-i A'immah Athar.
- Bahrani (Al-Asfur), Y. A. (1985). Al-Hada'iq al-Nazirah fi Ahkam al-Itrat al-Tahirah (25 Vols.). Qom: Daftare Entesharate Eslami.
- Peyvandi, G. (2011). Hoghugh-e Koodak [Children's Rights]. Tehran: Organization of Publications of the Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Javadi Amoli, A. (2022). Dars-e Kharej-e Fjgh of Ayatollah Abdullah Javadi Amoli. Retrieved from <https://eshia.ir/> (Access Date: July 19, 2025).
- Ha'iri Tabataba'i, S. A. M. (1997). Riyaz al-Masa'il (16 Vols.). Qom: Mo'assesat Al al-Bayt.
- Hossein-zadeh, M., Akbari, M. (n.d.). Asib-shenasi-ye Koodak-hamsari ba negahi be Fjgh-e Emamiyeh va Hoghugh-e Iran [Pathology of Child Marriage with a View to Imami Fiqh and Iranian Law]. Collection of Papers of the First National Conference on Challenges and Solutions for Excellence of the Family Institution in Islamic Religions, 419-436.

- Hakim Tabataba'i, S. M. (1995). Mustamsik al-Urwat al-Wuthqa (14 Vols.). Qom: Mo'assesat Dar al-Tafsir.
- Hur al-Amili, M. H. (1989). Wasa'il al-Shi'ah (29 Vols.). Qom: Mo'assesat Al al-Bayt.
- Khoei, S. A. Q. (1997). Mowsu'at al-Imam al-Khoei (33 Vols.). Qom: Mo'assesat Ihya' Athar al-Imam al-Khoei.
- Khomeini, S. R. M. (2000). Kitab al-Bay' (5 Vols.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, S. R. M. (n.d.a). Tahrir al-Wasilah (2 Vols.). Qom: Dar al-Ilm Press.
- Khomeini, S. R. M. (n.d.b). Sahifeh-ye Noor (Vol. 21). n.p: n.d.
- Raghib Isfahani, H. M. (1992). Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an. (Research by S. Adnan Dawoodi). Beirut: Dar al-Ilm al-Dar al-Shamiyyah.
- Sabzevari, S. A. A. (n.d.). Jami' al-Ahkam al-Shar'iyyah (Single Volume). Qom: Al-Manar Institute.
- Sabzevari, S. A. A. (1993). Muhazzadol -Ahkam (30 Vols.). Qom: Al-Manar Institute - Office of His Eminence.
- Siah Bidi Kermanshahi, S., Bahrapouri, R., Kohestani, M. (2020). Tahlil-e Fjgh-i Hoghughi-ye Koodak-hamsari dar Partov-e Enteghadat-e Vard bar an; Talashi baraye Ara'eh-ye Pishnahad-e Matloob [Fiqhi and Legal Analysis of Child Marriage in Light of Criticisms; An Effort to Provide a Desired Proposal]. Journal of Cultural and Educational Studies of Women and Family, 52, 149-165.
- Sistani, S. A. (1994). Qa'ideye La Zarar wa La Zihar (Single Volume). Qom: Office of Ayatollah Sistani.
- Sistani, S. A. (1997). Minhaj al-Salihin (3 Vols.). Qom: Office of Ayatollah Sistani.
- Siuri Hilli, M. A. (2004). Kanz al-Irfan fi Fjgh al-Qur'an (2 Vols.). Qom: Mortazavi Publications.
- Shubairi Zanjani, S. M. (1998). Kitab-e Nikah (25 Vols.). Qom: Ray-Pardaz Research Institute.

- Shokri, F. (2008). Barresi-ye Hoghughi-ye Senn-e Ezdevaj va Roshd-e Dokhtaran [Legal Study of the Age of Marriage and Maturity of Girls]. *Strategic Studies of Women*, 40, 131-156.
- Shahid Thani (Amili), Z. A. (1993). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'i' al-Islam* (15 Vols.). Qom: Mo'assesat al-Ma'arif al-Islamiyyah.
- Shahid Thani (Amili), Z. A. (1990). *Al-Rawzatol Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* (Annotated by Kalantar, 10 Vols.). Qom: Davari Bookstore.
- Shahid Thani (Amili), Z. A. (n.d.). *Rawd al-Jinan fi Sharh-e Ershad al-Azhhan* (Old Edition, Single Volume). Qom: Mo'assesat Al al-Bayt.
- Shiravi, A. (2018). *Hoghugh-e Khanevadeh (Ezdevaj, Talagh va Farzandan)* [Family Law (Marriage, Divorce and Children)]. (4th ed.). Tehran: SAMT Publications & Research Institute for Humanities Development.
- Saber, F., Saber, L., & Bahadori Jahromi, T. (2023). *Padidarshenasi-ye Koodak-hamsari ba Rooykard-e Koodak-azari va Rah-haye Moghabeleh ba an* [Phenomenology of Child Marriage with a Child Abuse Approach and Countermeasures]. *Journal of Woman and Society*, 3, 94-104.
- Sane'i, Y. (2003). *Fjgh al-Thaqalayn fi Sharh-e Tahrir al-Wasilah*. (1st ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Sane'i, Y. (2017). *Goftegoo ba Hazrat-e Ayatollah Sane'i* [Interview with His Eminence Ayatollah Sane'i]. In *Qa'ide-ye Edalat dar Fjgh-e Emamiyeh* (Ed. H. Aliakbarian). (2nd ed.). Qom: Research Institute of Islamic Science and Culture.
- Sane'i, Y. (2009). *Estifta'at-e Ghazayi* (Vol. 2): *Hoghugh-e Madani*. (1st ed.). Qom: Parto-ye Khorshid Publications.
- Safi Golpaygani, L. (1995). *Hidayat al-Ibad* (Single Volume). Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.
- Sabahi Garaghani, M., & Kohnesal, S. (2021). *Athar va Zamant-ejra-haye Fjgh-i Hoghughi-ye Ezdevaj-e Koodakan* [Fiqhi and Legal Effects and Enforcements of Child Marriage]. *Contemporary Fjgh and Hoghugh*, 17, 53-71.
- Sarami, S. (2020). *Gha'ide-ye Fjgh-i Nafy-e Zolm dar Qur'an-e Karim* [The Fjgh-i Rule of Denying Oppression in the Holy Qur'an]. *Journal of Qur'an, Fjgh and Islamic Law*, 6(12).

- Safaei, S. H., & Qasemzadeh, S. M. (2015). *Hoghugh-e Madani: Ashkhas va Mahjoorin*. (21st ed.). Tehran: SAMT Publications & Research Institute for Humanities Development.
- Ziaefar, S. (2013). *Falsafe-ye Elm-e Fjgh [Philosophy of the Science of Fjgh]*. (1st ed.). Qom: Research Institute of Hawzah and University & SAMT Publications.
- Tabataba'i, S. M. H. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers.
- Torihi, F. (1996). *Majma' ol-Bahreyn*. (Research by S. A. Hosseini). Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Tusi, A. J. M. (1967). *Al-Mabsut fi Fjgh el-Imamiyyah (8 Vols.)*. Tehran: Al-Maktabah al-Mortazaviyyah li-lhya' al-Athar al-Ja'fariyyah.
- Azimzadeh Ardebili, F., Afghah, A. S. (2016). *Nahad-e Velayat bar Koodak va Khala'ha va Chalesh-haye an dar Fjgh va Hoghugh [The Institution of Guardianship over Children: Lacunae and Challenges in Fiqh and Law]*. *Journal of Family Fjgh and Law*, (65), 5-30.
- Azimi, M., Shahbazi, M., Eskandari, A. (2021). *Negahi Ejtehad-i be Senn-e Keyfi-ye Ezdevaj-e Dokhtaran [An Ijtihadi View on the Qualitative Age of Marriage for Girls]*. *Misbah al-Faqahah*, (7), 55-80.
- Amili Hosseini, S. J. M. (1998). *Miftah ol-Karamah fi Sharh Qawa'id ol-Allamah (Modern Edition, 23 Vols.)*. Qom: Islamic Publications Office.
- Amili, M. A. M. (1991). *Nihayat al-Maram fi Sharh Mukhtasar Shara'i' al-Islam (2 Vols.)*. Qom: Islamic Publications Office.
- Alasvand, F. (2024). *Edalat, Zan, Jinsiat [Justice, Woman, Gender]*. (1st ed.). Qom: Women and Family Research Institute.
- Allameh Hilli, H. Y. M. (1993). *Mukhtalaf ol-Shi'ah fi Ahkam el-Shari'ah (9 Vols.)*. Qom: Islamic Publications Office.
- Allameh Hilli, H. Y. M. (1999). *Tahrir ol-Ahkam el-Shar'iyyah ala Mazhheb al-Imamiyyah (Modern Edition, 6 Vols.)*. Qom: Imam Sadiq (AS) Institute.

- Alidoust, A. (2014). Naghsh-e Edalat dar Farayand-e Estinbat-e Avval va Dovvom [The Role of Justice in the First and Second Processes of Inference]. *Journal of Fjgh*, 81, 3-20.
- Andalib Hamedani, M. (2025). Barresi-ye Fjgh-i Ezdevaj ba Koodakan [Fiqhi Study of Marriage with Children]. *Ijtihad Network*. Retrieved from <https://ijtihadnet.ir> (Access Date: February 11, 2025).
- Farahidi, K. A. (n.d.). *Kitab ol-Ayn*. n.p: n.d.
- Firuzabadi, M. D. (n.d.). *Al-Qamus ol-Muhit*. n.p: n.d.
- Fayz Kashani, M. M. (1986). *Al-Wafi* (26 Vols.). Isfahan: Imam Amir al-Mu'minin Ali Library.
- Fayyumi, A. M. (1997). *Al-Misbah ol-Munir*. n.p: Al-Maktabah al-Asriyyah.
- Qarashi, S. A. A. (1992). *Qamus-e Qur'an*. Tehran: Dar ol-Kutub ol-Islamiyyah.
- Katouzian, N. (2016). *Dowreh-ye Hoghugh-e Madani: Khanevadeh* (Vol. 2, Ovlad). Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Enteshar.
- Kulayni, A. J. M. Y. (1987). *Al-Kafi* (8 Vols.). (4th ed.). Tehran: Dar ol-Kutub el-Islamiyyah.
- Golpaygani, S. M. R. (1993). *Hidayat ol-Ibad* (2 Vols.). Qom: Dar ol-Qur'an el-Karim.
- Muhagiq Hilli, N. D. J. H. (1988). *Shara'i' ol-Islam fi Masa'il el-Halal wa al-Haram* (4 Vols.). Qom: Isma'iliyan Institute.
- Mar'ashi Najafi, S. S. D. (1986). *Minhaj ol-Mu'minin* (2 Vols.). Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library Publications.
- Muhagiq Damad, S. M. (2018). *Maktab-e Ejtahadi-ye Akhoond Khorasani*. Tehran: Center for Publication of Islamic Sciences.
- Mostafavi, H. (1981). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an el-Karim*. Tehran: Bungah-e Tarjomeh va Nashr-e Kitab.
- Motahhari, M. (1999). *Yaddasht-haye Ostad Motahhari* [Notes of Master Motahhari]. Tehran: Sadra Publications.

- Motahhari, M. (2006). *Nezam-e Hoghugh-e Zan dar Islam* [The System of Women's Rights in Islam]. Tehran: Sadra Publications.
- Makarem Shirazi, N. (2004). *Anwar ol-Faqah - Kitab ol-Nikah* [Lights of Jurisprudence - The Book of Marriage] (Single Volume). Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School Publications.
- Makarem Shirazi, N. (2004). *Ahkam-e Banovan* [Rules for Ladies]. (Edited by A. Alian-Nejadi). (5th ed.). Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School Publications.
- Makarem Shirazi, N. (2006). *Da'irat ol-Ma'arif-e Fjgh-e Mogharan* [Encyclopedia of Comparative Jurisprudence] (Single Volume). Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School Publications.
- Makarem Shirazi, N. (2003). *Kitab ol-Nikah* [The Book of Marriage] (6 Vols.). Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School Publications.
- Montazeri (Najafabadi), H. A. (1988). *Dirasat fi Wilayat el-Faqih wa Fjgh el-Dawlat el-Islamiyyah* [Studies on the Guardianship of the Jurist and Jurisprudence of the Islamic State] (4 Vols.). Qom: Tafakkur Publications.
- Monazzami, F., Movahedi Moheb, M. (2024). *Man'-e Estemta' az Zoje-ye Saghireh, ba Estenad be Mokhas-ses-e Lobbi* [The Prohibition of Enjoying a Minor Wife based on Intellectual Qualification]. *Scientific Journal of Islamic Fjgh and Law Studies*, 35, 285-304.
- Musavi Bojnurdi, S. M. (2003). *Barresi-ye Mafhoum va Meyar-e Koodaki dar Tafakkur-e Eslami va Ghavanin-e Iran baraye Bahre-mandi az Hoghugh-e Marbooteh* [Investigating the Concept and Criteria of Childhood in Islamic Thought and Iranian Laws for Enjoying Related Rights]. *Pajuheshnameh Matin*, 21, 27-60.
- Naraqi, M. A. (1994). *Mustanad ol-Shi'ah fi Ahkam el-Shari'ah* (19 Vols.). Qom: Mo'assesat Al al-Bayt.
- Najafi, M. H. (1984). *Jawahir ol-Kalam fi Sharhe Shara'i' el-Islam* (43 Vols.). Beirut: Dar Ihya el-Turath al-Arabi.

-Hedayatnia, F. (2019a). Zarfiyat-e Hoghugh dar Tahkim-e Khanevadeh [The Capacity of Law in Strengthening the Family]. Tehran: Organization of Publications of the Research Institute for Islamic Culture and Thought.

-Hedayatnia, F. (2019b). Tajviz-e Mashroot ya Tahrim-e Motlagh-e Koodak-hamsari? [Conditional Permission or Absolute Prohibition of Child Marriage?]. Journal of Religion and Law, 26, 11-35.

-Yazdi Tabataba'i, S. M. K. (1988). Al-Urwat ol-Wuthqa (2 Vols.). Beirut: Mo'assesat al-A'lami lil-Matbu'at.

-<https://rc.majlis.ir>

-<https://rc.majlis.ir>

-<https://fa.wikipedia.org>

UNCORRECTED PROOF